

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

کارکنان و همکاران خروش رعد
۲۶ جنوری ۲۰۲۵ م

چگونه از زنده یاد «قیوم رهبر» یاد و بزرگداشت شود؟

به مناسبت سی و پنجمین سالگرد جاودانه شدن «رهبر»



تاریخ خونبار بیش از چهار و نیم دهه اخیر کشور ما دو تهاجم کهن استعماری امپریالیستی در دو نوبت، سیطره خونین و ویرانگر و مخوف ترین و هول انگیز ترین اشکال ستم، سلطه، سرکوب و جنایت استعماری سوسیال امپریالیسم معدوم، بلاک امپریالیستی غربی و شرکاء به رهبری امپریالیسم امریکا و ارتجاع بومی رنگارنگ را به خود دیده است. بالاخر آن، سرکوب دو سویه و کامل نیرو های اشغالگر و ارتجاع ستمگستر بومی دیروزی و سیطره جاری تئوکراتیک بغایت ارتجاعی و تراز فاشیستی گروه مرتجع و مزدور طالبان را تجربه کرده است. به رغم پیشتازی نخستین نیرو های پیشرو دارای توانائی فکری – تاریخی بالقوه رهبری جنبش مقاومت ملت و خلق افغانستان به سوی رهائی ملی و اجتماعی، علاوه از مؤثرات بازدارنده تاریخی، محیطی و بیرونی جلو پای این نیرو، در نتیجه سیاست ها و عملکرد های استعماری – ارتجاعی همراه با انحرافات فکری – سیاسی تسلیم طلبانه در چند نوبت، این نیرو به حاشیه رانده شده و سرکوب خونین شد. نتیجه این خالی ماندن میدان رزم ضد استعماری – ارتجاعی خلق به پا خاسته و نیازمند رهبری انقلابی از ستاد پیشرو رهبری، عبارت بوده است از محروم ماندن توده های به پا خاسته نیازمند رهبری ملی – انقلابی از ستاد رهبری انقلابی و آزادیخواه و انحراف رستخیز توده ها از اهداف آزادیخواهانه اولیه اش در کشور بوده است. تاریخ معاصر کشور ما به گونه انکار ناپذیر مشحون از این پیشگامی، رزمندگی و ایثار این نیروی پیشرو و آزادیخواه در سنگر های رزم آزادی و اجتماعی بوده است. در طی این چهار و نیم دهه اخیر در تداوم مبارزات پارینه، پیشگامان

و طلايه دارن چندی در پیشاپیش خیزش ها و جنبش های ضد ارتجاعی و ضد استعماری مردم افغانستان با رزم و ایثار، با مقاومت و دلیری در برابر استیلاء و ستم متجاوزان، و مظلالم اجتماعی و خودکامگی بیدادگران برخاسته و در مقاطعی اثرگذار بر سیر جنبش و مبارزه بوده اند. این آزادگان در پیشاپیش مسیر نهضت های آزادی طلب پیام آورانی بودند برای آزادی، دموکراسی مردمی، عدالت و ترقی اجتماعی با دورنمای فراروی همراه با کارنامه های درخشانی از جویندگی و پویندگی، از شجاعت و دلیری که تاریخ مبارزات خلق ما را با خون خود گلگون و راه رهائی ستمکشان را ترسیم کرده و خود به جاودانگی پیوستند. این پیام آوران و بشارت دهندگان تغییر و تحول ستمکشی و فلاکت زحمتکشان، وارستگی آیندگان و نسل های فردای خلق های سرزمین خود و سائر سرزمین های جهان، تا پای جان استوار، نیرومند و باورمند رزمیدند و در عین داشتن عشق و امید بزرگ به ادامه زندگی، آگاهانه و هدفمندانه جان شان را نثار آرمان شریف و گرامی آزادی کردند.

یکی از آن طلايه داران توانمند رزم میهنی و انقلابی زنده یاد "قیوم رهبر" ستاره درخشان و رهبر سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) در همین میدان نبرد در طول بیش از نیم قرن در پهنه مبارزات خستگی ناپذیر در برابر استبداد سلطنتی، اشغالگران روسی، باند های "خلق و پرچم" و توطئه ها و مداخلات امپریالیست های غربی و ارتجاع بومی و منطقه ئی همدست امپریالیسم به شیوه علمی و مستند تحلیل، روشنگری و رهگشائی کرد. "رهبر" تا پایان عمرش برای آزادی مهین بلاکشیده از قیود و ستم رهنانه استعمار، برای رهائی و ترقی خلق ستمدیده خود، مدبرانه و منهورانه رزمید. او برای رهروان راه آزادی و انقلابی آموزگاری توانا بود و ارثیه ارجمند ادبی و مبارزاتی را از خود به راهیان راه به یادگار گذاشت. زنده یاد "قیوم رهبر" برای گسستن زنجیر بندگی و ستمگری استعماری - ارتجاعی از دست و پای خلق بی دفاع و زحمتکش میهنش، همت عالی و شجاعتش را در برابر غلامان بیگانه و قاتلان خلق و ملت ما، با قلم توانا و گام های متین و با ایثار خون سرخش، به نمایش گذاشته و خود به سوی جاودانگی شناخت. در نتیجه، گفته می توانیم که اوضاع آشفته و تاریک کشور و مصائب عدیده کنونی مردم ستمدیده افغانستان در یک رابطه علت و معلولی تا حدودی معلول این سرکوب خونین و غیابت این نیروی تاریخی پیشرو از رهبری توده های خلق، بوده است. وضعیت ابتر و غم انگیز سه سال سیطره خونین و تراز فاشیستی طالبان و حامیان بیرونی شان در ادامه ۲۰ سال اشغالگری مستقیم امپریالیست های اشغالگر امریکا - ناتو و شرکای شان و با کلیه تبعات درد انگیزش برای ملت و خلق افغانستان در کل مزید بر عوامل و زمینه های تاریخی به ارث رسیده از گذشته، نتیجه مستقیم سیاست و عملکرد استعماری سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم و ستم، جنایت و خیانت مزدوران و جنایتکاران مرتجع "خلق و پرچم"، دهاره های اخوانی جهادی - طالبی و سائر مزدوران مورد حمایت امپریالیسم در طیف های تکنوکرات، مدنی، سیاسی، جنگسالار و فرهنگی در این مدت حدود پنج دهه بوده است.

شرایط ابتر جاری افغانستان و سیطره ارتجاعی مزدوران طالبی متکی بر زندان و تازیانه و سنگسار، خود مولود هماغوشی ارتجاع و استعمار، دسایس و حمایت امپریالیستی با شیوه های فاشیستی و روش و رویکرد های تمامیت خواهانه این گروه و اغماض حامیانش در برابر جنایات طالبی در کلیه ابعاد حیات اجتماعی مردم افغانستان و با اپارتاید جنسیتی در قبال زنان و حذف زنان و دختران کشور از تمامی عرصه های زندگی و به زندان خانه راندن آنان، زاده همین سیاست ها و عملکرد های استعماری - ارتجاعی طی چندین دهه بوده است. با ختم اشغال کشور، اوضاع افغانستان در موقعیت نومستمراتی و در تحت سلطه خونین و خشن مزدوران مرتجع طالبانی گویای حمایت دولت های امپریالیستی عمدتاً غربی، سازمان ملل متحد و حمایت مشروط توأم با فرصت طلبی تاراجگرانه دول امپریالیستی شرقی - چین و روسیه - و دست درازی دول مرتجع همجوار و منطقه و ادامه تحرکات و بازی های تبهکارانه استعماری -

ارتجاعی بر مقدرات ملی و اجتماعی حال و آتیۀ مردم ما و مظلومیت مردم و مهاجرت و غیابت نیرو های راستین، جدی و مستقل مبارزاتی دموکراتیک و پیشرو از صحنه را بیان می کند.

اوضاع نابسامان مجموع جامعه ما در تحت حاکمیت تراز فاشیستی آئینه ایست که توحش سبعانه، تمامیت خواهی ایدئولوژیک - سیاسی، اپارتاید جنسیتی، ستم و استثمار طبقاتی و نواستعماری، غارت منابع طبیعی این مال قانونی مردم و یگانه وثیقه انکشافی، تحمیل فقر فراگیر و نود درصدی، محرومیت زنان از حق آموزش و سائر آزادی های اجتماعی، به بند کشیدن میلیونی زنان و سائر مظلوم و جنایات باند جنایتکار و خودفروخته طالبی و اربابانش در حق کشور و مردم مظلوم ما و ستمکشی میلیون ها زن و مرد محکوم کشور و مصائب بیشمار آنان را در عین ادامه جنگ ارتجاعی قدرت میان طالبان و دار و دسته مزدوران دیروزی برافزاده از قدرت و تحرکات بیرونی تجاوزکارانه را بازتاب می دهد.

در متن این ظلمت ارتجاعی - استعماری و در ازدحام بازی های تبهکارانه آنان طی بیش از سه سال اخیر، به رغم نفرت و انزجار عمومی مردم از گروه خون آشام و فاشیست طالبان و حامیان آن، نقش و اثرگذاری عملی مردم در حدوث وقایع و تحولات به سوی گشایش ناچیز و جایگاه نیرو های مترقی، دموکراتیک و آزادیخواه کشور در پیشاپیش توده های تحت ستم نیز خالی بوده است. این غیابت نیروی پیشتاز و روشنگر کشور در متن اوضاع ظلمانی و سیطره ارتجاعی - استعماری، معلول عوامل متعددی است: عوامل و زمینه های تاریخی، منشاء طبقاتی و عدم ثبات روشنفکران انقلابی، مؤثرات محیطی، دسایس و سیاست های خونین استعماری - ارتجاعی تا سر حد حذف فزایی و به حاشیه راندن تشکلات منسوب به جنبش چپ انقلابی کشور؛ شکست انقلاب های پیروزمند در سطح جهانی؛ انحرافات راست ایدئولوژیک - سیاسی در چند نوبت؛ پس از اشغال کشور در ۲۳ سال قبل در نقش پایدو دول و نیرو های اشغالگر، داشته ها و میراث جنبش ضعیف، متشننت و خونین تن انقلابی را دو دسته تقدیم امپریالیسم امریکا و "خلیل زاد" کردن از سه محور منحرف و شیفته قدرت و ثروت (رهبری و تعدادی از کادر های سازمان رهائی، رهبری مطرود خائن و تسلیم طلب ساما و دار و دسته ان جی او باز کمونیست - مائوئیست حسین خائن) و در نتیجه ارتکاب خیانت ملی و تاریخی توسط این منحرفان و تجرید و بدنمایی آنان و...؛ از رؤس عمده عوامل و زمینه های شکست و سرکوب نظامی، تشنت و مهاجرت این گروه ها از عرصه مبارزه ملی و طبقاتی توده ها در عین انحلال طلبی ایدئولوژیک - تشکیلاتی، کهنه و کلاسیک نامیدن علنی اندیشه پیشرو عصر توسط برخی از این خفتگان و ورشکستگان نیمه راه، گرایش غیرسیاسی شدن آحاد این جنبش، پاسویته و شیوع فساد ایدئولوژیک و تک روی برخی ذوات آن و چنگ نزدن به مبارزه جمعی با اصول "وحدت - مبارزه - وحدت" و انتقاد از خود و دیگران و سائر موارد و اشکال عدول از خط اصولی مبارزه انقلابی. این است وضع دردناک مجموع نیرو های مبارزاتی دارای اصالت ملی، دموکراتیک و انقلابی در افغانستان امروزی در بطن وضعیت جاری کلیت جامعه ما در تحت سلطه خشن و خونبار طبقاتی طالبانی و نفوذ نواستعماری امپریالیسم و ارتجاع منطقه.

حال سؤالی در برابر منسوبان «ساما» و جنبش انقلابی و دموکراتیک کشور مطرح است که اگر امروز پروفیسر "قیوم رهبر" این تئوریسین و تحلیل گر فرید انقلابی و آزادیخواه صف خلق افغانستان زنده می بود، در قبال اوضاع ابتر جاری مردم تحت ستم، فقر و گرسنگی فراگیر و مصائب چند لایه آنان و کشور تاراج و پامال شده ما چه می کرد؟ مسلم است که اگر امروز «رهبر» زنده می بود، باز هم در تحلیل علمی اوضاع امروز می نوشت، وظایف عمده را برجسته می کرد، به توده ها روشنگری می کرد، به راهیان راه انقلابی و دموکراتیک رهنمود می داد و مسیرت انقلابی

را ترسیم و فرا راه انقلابیون چراغی روشن می کرد، طرح وحدت پیشاهنگ انقلابی و جنبش دموکراتیک را می ریخت و برای تحقق این وظایف مبرم خود پیشگام می شد.

پس می توان با قاطعیت گفت که برای نسل مبارزان کنونی در افغانستان تحت سیطره فاشیستی طالبان و اربابان شان و در برونمرز، بهترین تجلیل و یاددهانی از شخصیت مبارزاتی و کارنامه های زنده یاد "قیوم رهبر" و سائر جانبازان جنبش انقلابی و آزادیخواه کشور، تحلیل علمی و واقعینانه از اوضاع ملت‌هت کشور و جهان به شیوه زنده یاد "رهبر"، طرح این وظایف فوق در دو سطح انقلابی و ملی - دموکراتیک، طرد انحراف از خط اصولی انقلابی در هر شمائی، غلبه بر تشتت، افتراق و سکتاریسم موجود در سطح درونی تشکل های مدعی مبارزه انقلابی و در کل جنبش از طریق مبنا قرار دادن خط اصولی ایدئولوژیک - سیاسی در عین اجتناب از فرقه گرایی ایدئولوژیک - تشکیلاتی، زنده نگه داشتن آرمان انقلابی این جانبازان پاکباز، غلبه بر یأس و دلمردگی مدعیان دیروزی مبارزه، تلاش صبورانه جمعی برای بیداری و انسجام توده های تحت ستم و استثمار و آغاز و ادامه مبارزه بی امان علیه ارتجاع و امپریالیسم در پیشاپیش صف خلق زحمتکش.

آری، این است بزرگداشت شایسته و در خور شان زنده یاد "قیوم رهبر" و سائر پیشتازان، طلایه داران جانباز و کلیه رفتگان مسیرت انقلاب و آزادی و این است یگانه معیار زنده بودن سیاسی، پیشتازی، جدیت و اصولیت انقلابی نسل مبارزان امروز و فردای افغانستان تحت ستم. رزمیدن جمعی در راه یک چنین آرمان متعالی ترقیخواهانه و آزادیخواهانه در جاده دشوارگذر مارپیچی و طولانی، امری است خطیر و دشوار، ولی ممکن و تحقق پذیر.

- بزرگداشت از "رهبر"، ادامه بی انحراف راه اوست!

- اتحاد رزمجویانه انقلابی و دموکراتیک یگانه وسیله رهایی خلق و کشور است!

- دسایس امپریالیسم و ارتجاع بر سر مقدرات ملی و اجتماعی ما محکوم است!

- ارثیه مبارزاتی "رهبر": تحلیل، آموزش، انسلاک سازمانی و عمل جمعی!

- مرگ بر ارتجاع و امپریالیسم!

کارکنان و همکاران خروش رعد

۷ دلو ۱۴۰۳ش/ ۲۶ جنوری ۲۰۲۵م